



## ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی

الحاج عبدالکریم غریق - هالند

امام حافظ شیخ الاسلام علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود بن نعمان بن دینار بن عبدالله بغدادی شافعی مکنی به ابوالحسن و معروف به دارقطنی شخصیتی مفسر، محدث، ادیب، لغوی، وارد به شعر، مغازی، سیر، تاریخ و صاحب مولفات مختلفه خصوصاً در علوم قرآن و حدیث بود، موصوف در بیست و پنجم ماه ذی القعدة سال ۳۰۶ و بنا به گفته بعضی از مورخین ۳۰۵ هجری قمری در زمان خلافت المقتدر بالله عباسی در محله دارقطن بغداد دنیا آمد، دارقطن در قدیم محله ای بزرگی در بین محله کرخ و نهر عیسی در غرب بغداد بود، که در قرن ششم هجری ویران گردید، و فعلاً اثری از آن باقی نمانده است. تولد او در خانواده ای عالم و فاضل و پدرش عمر بن احمد هم از جمله علماء و فضلاء و یکی از محدثین ثقه عصر خود در بغداد بود، و علاقه وافری داشت، که فرزند کوچکش را در سایه علم و دانش بزرگ کند. و در ابتداء پدرش به او آموزش می داد، و او در پیش پدر قرآن را حفظ کرد، و وقتی پدرش استعداد، توانائی و زرنگی او را مشاهده نمود، گرچه هنوز در سنن صباوت بود، با آن هم او را از همان آوان کودکی به نزد اساتید آن زمان برای فراگیری علوم و دانش های مروجه فرستاد، چنان که در سن نه سالگی در مجلس عالمان بزرگی همچون ابوالقاسم بغوی هروی شرکت می نمود. یوسف قواس در این باره می گوید: من به همراه بغوی راه می رفتم، دارقطنی در حالیکه پسرک خورد سالی بود، بدنبال ما می آمد، و بدستش پاره ای نانی بود، که بر آن ترشی مخصوصی مالیده شده بود. دارقطنی از همان ایام خورد سالی از هوش سرشاری برخوردار بود، آنچه بر تیزهوشی او دلالت می کند، داستانی است که یک بار برای وی اتفاق افتاد، او یک روز در مجلس ابوعلی اسماعیل بن محمد بغدادی معروف به صفار که برای مردم حدیث املاء می کرد نشسته بود، و حدیث را می نوشت، یکی از محدثان حاضر در جلسه به وی گفت: شنیدن حدیث وی صحیح نیست، زیرا او به نوشتن مشغول است. دارقطنی در پاسخ آن شخص گفت: فهم من در مورد املائی شیخ از فهم تو بهتر است. آن مرد به او گفت: آیا می دانی شیخ چند حدیث املاء کرده است؟ وی گفت: هجده حدیث گفته است، و حدیث اول آن از فلان از فلان است. سپس همه آن احادیث را با سند و لفظ بیان کرد، و هیچ اشتباهی در آن مرتکب نشد، تا جائیکه همه را به تعجب واداشت. در این وقت خانواده دارقطنی در بغداد زنده گمی می کردند، آن شهر پایتخت خلافت عباسیان و مرکز تجمع علماء و دانشمندان آن روزگار بود، و این امکان را بیشتر برای دارقطنی فراهم نمود، تا به خواسته اش برسد، دارقطنی هم با حرص و ولع زیادی که برای فراگیری دانش های مروجه داشت، به زود ترین فرصت نبوغ خود را نشان داد، و یکی از افراد سرآمد آن روزگار در علوم حدیث، قرائت، فقه، ادبیات و انساب گردید. علاوه دارقطنی تنها به بغداد هم اکتفاء نکرد و به شهرهای دیگر از جمله

کوفه، بصره، واسط، خوزستان و غیره سفر نمود، و از سفره دانش علمای بزرگ آن بلاد نیز بهره برد. دارقطنی فقه شافعی را در نزد علمای بزرگ آن زمان از جمله ابوسعید اصطخری فراگرفت، و در این زمینه کتاب سنن را به رشته تحریر درآورد، که آن را نشانه‌ای از تسلط او بر علم فقه دانسته‌اند. دارقطنی در مسائل اعتقادی هم چون عموم محدثان پیرو اهل حدیث بود، چنان که ذهبی به نقل از عبدالرحمن سلمی می‌گوید: دارقطنی هیچ‌گاه در جدال‌های علم کلام داخل نشد، و می‌گفت: در نزد من مغبوض تر از علم کلام چیزی نیست، و او شخصیتی سلفی بود. موصوف در راه حق و امر خدا آدم صریح و با جرأتی بود، و از هیچ ترساننده‌ای نمی‌ترسید. دارقطنی به شعر و ادبیات نیز علاقه زیادی داشت، و وارد بوده، و دیوان‌های شعری شعراء را حفظ می‌کرد، و اشعار زیادی از شعرای معروف پیشین را در حافظه داشت، چنانکه حمزه بن محمد بن طاهر دقاق می‌گوید: دارقطنی دیوان شعر سید حمیری را حفظ داشت، و چون اسماعیل بن محمد بن یزید معروف به سید حمیری متوفی سال ۱۷۳ هجری قمری شخصیت شیعی و غالی بود، و در بدگوئی از صحابه و همسران رسول الله (ص) راه افراط را پیش گرفته بود، بعضی‌ها این را دلیل بر تمایل او بر تشیع گفته‌اند، اما این مطلب کلاً اشتباه است، زیرا خود دارقطنی می‌گوید: قومی از اهالی بغداد اختلاف کردند، بعضی گفتند، عثمان (رض) افضل است، و بعضی دیگر گفتند: علی (رض) افضل است، به نزد من آمدند، و حکمیت را به من سپردند، سکوت کردم، و گفتم: سکوت بهتر است، و بعد سکوت را از من نپذیرفتند. و کسی را دوباره به نزد فرستادند، من برای قاصد گفتم: به نزد کسانی که از من استفتاء خواسته‌اند برو، و به آن‌ها بگو: ابوالحسن می‌گوید: عثمان (رض) از علی (رض) افضل است به اتفاق جماعت اصحاب رسول الله (ص) و این گفته اهل سنت و جماعت می‌باشد. این اولین دلیلی است که گرایش دارقطنی به رفض را منتفی می‌سازد. دوم - دارقطنی می‌گوید: فضیلت دادن علی (رض) بر عثمان (رض) دلالتی بر رفض و بدعت نمی‌کند، بلکه خلق کثیری از صحابه و تابعین هر دوی ایشان یعنی حضرات عثمان و علی رضی الله تعالی عنهما را صاحب فضل می‌دانند، و آن‌ها را از سابقه داران در جهاد می‌گویند، و هر دوی ایشان در علم و بزرگی برابر هستند، و شاید هم هر دوی آن‌ها در درجه و مقام با هم برابر باشند، و هر دو بزرگوار از سادات شهداء می‌باشند، اما جمهور بر ترجیح حضرت عثمان (رض) بر امام علی (رض) نظر دادند، و به همان راه رفتند، و خطابه‌ها در این باره بسیار است. اما بهترین امت بعد از رسول الله (ص) حضرات ابوبکر و عمر رضی الله تعالی عنهما می‌باشند، و کسی که بر این مطلب مخالفت کند، او شیعی است، و کسی که با شیخین بغض بورزد، اما امامت (خلافت) آنان را قبول داشته باشد، او رافضی است، و کسی که آنها را دشنام دهد، و به امامت‌شان معتقد نباشد، او از غلاة است، خداوند او را دور کند. و تالیف کتاب - فضائل الصحابه و مناقبهم - دارقطنی می‌رساند، که او از هرگونه سب و رفض مبراء می‌باشد، و حفظ اشعار حمیری بواسطه حسن شعری آن و تنها از روی علاقه

او به شعر و ادبیات بوده است. دارقطنی را بعضی از علماء از جمله محمد بن طاهر مقدسی و ابن حجر عسقلانی در شمار مدلسین آورده اند، چنانچه ابن طاهر می گوید: روش دارقطنی گاهی تدلیس خفی بوده، و همین گفته ابن طاهر را ابن حجر نیز نقل کرده است، که دیگر علماء و محققین آن را دقیق نمی دانند.

عبدالله بن ضیف رحیلی در کتاب - الدارقطنی: حیات، و صفاته و مکاتبه العلمیه - اضافه از سید کس از شیوخ دارقطنی را نام برده است. اما اساتید و شیوخ بزرگ دارقطنی عبارت اند از: حافظ امام محمد ابن حبان بستی خراسانی، امام حافظ و حجة ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بن مرزبان بغوی هروی، امام و محدث ثقة قاضی ابوعبدالله حسین بن اسماعیل ضیبی بغدادی، امام حافظ ثقه محمد بن مخلد بن حفص ابوعبدالله دوری بغدادی، امام ابوبکر احمد بن موسی بن عباس بن مجاهد بغدادی نحوی مشهور، امام حافظ ذوالنون ابوبکر بن قسم بن بشار بن الأنباری لغوی مشهور، ابوالقاسم بدر بن هیثم بن خلف قاضی لخمی کوفی ساکن بغداد و ابا سعید عدوی. دارقطنی از ابی القاسم بغوی، یحیی بن محمد بن صاعد، ابی بکر بن ابی داؤد، محمد بن نیروز انماطی، ابی حامد محمد بن هارون حضرمی، علی بن عبدالله بن مبشر واسطی، ابی علی محمد بن سلیمان مالکی، محمد بن قاسم بن زکریا محاربی، ابی عمر محمد بن یوسف بن یعقوب قاضی، ابی بکر بن زیاد نیشابوری، حسن بن علی عدوی بصری، یوسف بن یعقوب نیشابوری، عمر بن احمد بن علی دیربی، اسحاق بن محمد زیّات، جعفر بن ابی بکر، اسماعیل بن عباس وراق، احمد بن عباس بغوی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسماعیل آدمی جوزجانی، حسن بن سعید بن حسن بن یوسف مروروذی، علی بن فضل بن طاهر بلخی، محمد بن احمد بن أسد هروی، ابوبکر عبدالله بن یحیی بلخی طلحی، حسین بن اسماعیل محاملی، و برادرش ابی عبید قاسم، ابی العباس بن عُقده، محمد بن مخلد عطار، ابی صالح عبدالرحمن بن سعید اصفهانی، محمد بن ابراهیم بن حفص، جعفر بن محمد بن یعقوب صیدلی، حافظ ابی طالب احمد بن نصر، حسین بن یحیی بن عیاش، محمد بن سهل بن فضیل، احمد بن عبدالله وکیل ابی صخره، احمد بن محمد بن ابی بکر واسطی، حسین بن محمد مطیقی، ابی جعفر بن بختری، اسماعیل صفار و مردمان زیاد دیگری حدیث روایت نموده است. دارقطنی در ایام کهولت به دیار شام، فلسطین و مصر رفت. ابن عساکر دمشقی در تاریخ دمشق می نویسد: دارقطنی وقتی که به مصر می رفت، از راه شام گذشت، و در شام با علماء و دانشمندان آن ملاقات کرد، و از کسانی هم چون تمام بن محمد، ابونصر بن جنیدی، ابن جبّان، ابوالحسن بن سمسار، ابوالحسین میدانی، مکی بن محمد بن غمر، ابوبکر احمد بن حسن بن احمد بن طیان، و از دیگرانی امثال حافظ ابونعیم، ابوبکر برقانی، ابوالقاسم بن بشران، ابوالحسن عتیقی، قاضی ابوطیب طبری، ابوالغانم بن مأمون، ابوالحسین بن مهتدی، ابن آنوسی و دیگران حدیث شنید، و به آن ها حدیث گفت. در مصر از وی ابوالفضل جعفر بن فضل بن خنزابه وزیر کافور إخشیدی استقبال کرد، و او را اکرام نمود، و حافظ عبدالغنی بن سعید نیز او

را در تکمیل مسندش همکاری کرد، و در این سفر اموال زیادی نیز برای دارقطنی کمک گردید. دارقطنی سفری نیز به حرمین شریفین جهت ادای مراسم حج داشت. موصوف از ابن حیویه نیشابوری، ابی طاهر ذهلی و ابی احمد ناصح نیز حدیث شنیده است. از دارقطنی اشخاص زیر حدیث روایت نموده اند: حافظ ابو عبدالله حاکم نیشابوری، حافظ عبدالغنی بن سعید اُزْدیِ مصری، تمام بن محمد رازی، فقیه ابو حامد اسفراینی، ابوذر عبد بن احمد هروی، ابونصر بن جندی، احمد بن حسن جندی، احمد بن حسن طیان، ابو عبدالرحمن سلمی، ابو مسعود دمشقی، ابونعیم اصفهانی، ابوبکر برقانی، ابوالحسن عتیقی، احمد بن محمد بن حارث اصفهانی نحوی، قاضی ابو طیب طبری، عبدالعزیز بن علی اُزجی، ابوبکر محمد بن عبدالملک بن بشران، ابوالحسن بن سمسار دمشقی، ابو خازم بن فراء برادر قاضی ابی یعلی، ابو نعمان تراب بن عمر مصری، ابو غنائم عبدالصمد بن مامون، ابوالحسن بن مهتدی بالله، ابوالحسین بن آبنوسی محمد بن احمد بن محمد، ابوالحسین محمد بن احمد بن محمد بن حَسَنُونِ نرسی، حمزه بن یوسف سهمی و مردمان زیادی دیگر از بغدادی ها، مصری ها، دمشقی ها و دیگران.

امام ابو عبدالله شمس الدین ذهبی می گوید: ابوالحسن دارقطنی دریای علم، از ائمه دنیا، آگاه به علوم حدیث، رجال، قرائت، فقه، مغازی و تاریخ روزگار مردم بود. ابو عبدالله حاکم در کتاب *مزکی الأخبار* می نویسد: ابوالحسن دارقطنی یگانه زمانه خود در حفظ، فهم و پرهیزگاری بود، او امام در علوم قرائت و نحو بود، و وقتی به بغداد رفتیم به مجلس درس او حاضر گردیدیم، در حالی که عمرش هنوز از سی سال تجاوز نمی کرد، اما یکی از حفاظ بزرگ به شمار می رفت. اما ذهبی می گوید: حاکم در این گفته خود اشتباه نموده، زیرا او در سال ۳۴۱ هجری قمری به بغداد رفت، و دارقطنی در آن سال ۳۵ ساله بوده است. حافظ عبدالغنی وقتی صحبت از دارقطنی می شد، می گفت: او استاد من است. و صوری می گوید: از حافظ عبدالغنی بن سعید شنیدم، که می گفت: بهترین مردم بر حدیث رسول الله (ص) سه کس اند: ابن مدینی در وقت خود، موسی بن هارون یعنی ابن حمال در وقتش، و دارقطنی در وقتش. قاضی ابوطیب طبری گفت: دارقطنی امیرالمومنین در حدیث است. ابوالفتح بن ابی الفوارس می گوید: من در حفظ در جمیع علوم حدیث، قرائت و ادب مثل او را ندیدم. ابوذر هروی می گوید: برای حاکم گفتم: آیا مثل دارقطنی کسی را دیده ای؟ حاکم در جوابم گفت: مثل او کسی نیست، چگونه من می توانم مثل او را ببینم؟ خطیب ابوبکر احمد بن علی بغدادی در تاریخ بغداد می نویسد: دارقطنی یگانه ای زمان، بزرگ روزگار، بی همتائی دوران و پیشوای وقتش بود، او عالم به علوم متداوله، آگاه به معرفت و علل حدیث، اسماء الرجال و احوال روات بوده، و در عین حال شخصیتی صادق، امین، مؤثق، عادل، قابل الشهاده، صحیح الاعتقاد، درست مذهب و عالم به علوم حدیث، قرائت و غیره می باشد، و در این رابطه کتب مفیدی نگاشته است. امیر

ابونصر ابن ماکولا می گوید: شبی از شب های رمضان خواب دیدم، و در خواب از کسی احوال ابی الحسن دارقطنی را در آخرت پرسان کردم، و گفتم: احوال او چطور هست؟ گفت: او در بهشت امام است.

دارقطنی بنا به گفته ابن جوزی و ابن کثیر به روز سه شنبه هفتم ماه ذی القعدة و بنا به گفته تغری بردی و ابن جزری به روز چهارشنبه هشتم ماه ذی القعدة سال ۳۸۵ هجری قمری به عمر ۷۹ سالگی و بنا به گفته کسانی که تولد او را در سال ۳۰۵ هجری قمری گفته اند به عمر ۸۰ سالگی در بغداد در زمان خلافت ابوبکر الطائع بالله وفات یافت، و بر جنازه او شاگردش ابو حامد اسفراینی نماز خواند، و او را در قبرستان باب الدیر نزدیک مقبره معروف کرخی به خاک سپردند.

### تصانیف وی عبارت اند از:

- ۱ -- چهل حدیث. ۲ -- الزامات علی الصحیحین بخاری و مسلم. ۳ -- سنن فی الحدیث. ۴ -- غریب اللغه. ۵ -- کتاب الافراد والغرائب. ۶ -- کتاب التتبع لماخرج فی الصحیحین. ۷ -- کتاب التصحیف فی الحدیث. ۸ -- کتاب الجرح والتعدیل. ۹ -- کتاب الرویت. ۱۰ -- کتاب العلل فی الحدیث در دو جلد. ۱۱ -- کتاب القراءات. ۱۲ -- کتاب المستجد در حدیث. ۱۳ -- المختلف والموتلف فی اسماء الرجال. ۱۴ -- معرفه مذاهب الفقهاء. ۱۵ -- الأحادیث التي خولف فيها إمام الهجرة مالك بن انس. ۱۶ -- احادیث موطاء مالک. ۱۷ -- فضائل الصحابه و مناقبهم. ۱۸ -- کتاب جامع البیان در علم قرائت. ۱۹ -- کتاب الإخوة والأخوات. ۲۰ -- کتاب الضعفاء والمتروکین. ۲۱ -- کتاب المساجد. ۲۲ -- کتاب احادیث الصفات. ۲۳ -- کتاب احادیث النزول. ۲۴ -- الفوائد المنتقاة الغرائب الحسان. ۲۵ -- ذکر اسماء التابعین و من بعدهم ممن صحت روايته من الثقات عند محمد بن اسماعیل. ۲۶ -- ذکر اسماء التابعین و من بعدهم ممن صحت روايته من الثقات عند مسلم. ۲۷ -- رجال البخاری و مسلم. ۲۸ -- اسماء الصحابة التي اتفق فيها البخاری و مسلم و ما انفرد به احدهما عن الآخر. ۲۹ -- ذکر قوم ما اخرج لهم البخاری و مسلم فی صحیحیها و ضعفهم النسائی فی کتاب الضعفاء. ۳۰ -- اخبار عمرو بن عبید. ۳۱ -- الاحادیث الرباعیات. ۳۲ -- کتاب الاسخياء. ۳۳ -- جزء الجهر بالبسملة فی الصلوة. ۳۴ -- غرائب مالک. و تعدادی تالیفات دیگر.

## منابع و مأخذ:

- ۱ - کشف الظنون حاجی خلیفه - جلد پنجم - صفحه ۵۴۸ - عربی.
- ۲ - سیر اعلام النبلاء - جلد سوم - از صفحه ۱۰۴۰ تا صفحه ۱۰۴۵ به شماره ۳۵۴۸ طبقه بیست و یکم - تالیف ذهبی - عربی.
- ۳ - صفحه دانشنامه جهان اسلام - مقاله دارقطنی ابوالحسن علی بن عمر - به نقل از دائرة المعارف اسلامی - فارسی.
- ۴ - ویکیپدیا الموسوعة الحرة (دائرة المعارف عربی) تاریخ آخرین تعدیل - ۱۹ فبروری ۲۰۱۸ ساعت ۷/۲۰ دقیقه.
- ۵ - ویکی نور، دانشنامه تخصصی کتاب شناسی و زندگی نامه - آخرین ویرایش - ۱۶ شهریور ۱۳۹۶ خورشیدی ساعت ۲۱/۳۰ فارسی.
- ۶ - الضعفاء والمتروکین مقدمه از صفحه ۱۷ الی صفحه ۳۶ تالیف امام عمر بن علی دارقطنی - عربی.
- ۷ - الدار قطنی: حیات، و صفات، و مکاتنه العلمیة - تالیف عبدالله بن ضیف الله رحیلی - عربی.
- ۸ - تاریخ بغداد - مجلد سیزدهم - از صفحه ۴۸۷ الی صفحه ۴۹۴ به شماره ۶۳۵۷ تالیف خطیب بغدادی - عربی.
- ۹ - تاریخ مدینة دمشق - مجلد چهل و سوم - از صفحه ۹۳ الی صفحه ۱۰۶ به شماره ۴۹۸۸ تالیف ابن عساکر دمشقی - عربی.